

در پاسخ پیام نوروزی ایرانیاری

که نمی خواهند نامشان برده شود^۱

امیرفیض- حقوقدان

ایران یارگرامی آقای...

پیام نوروزی آن ایرانیارگرامی را باتشکر، مهور به مهرایران مفتخر به دریافت گردیدم. بر من تکلیف بود که در پیشکش شادباشهای نوروزی به ایرانیاران پیشگام باشم ولی سالهاست که از این افتخار محرومم زیرا نمیتوانم باحقیقت تام و صفای باطن محصل این افتخارباشم.



عزای وطن عزای یکسال و چندسال نیست، تاعزاهست، شادی چه جای وجود است. انسان نمیتواند در حالیکه غمگین است، وطنش اسیر و چنین است، شاد باشد و شادباشهای قلبی خودش را به یاران و عزیزان تقدیم کند مگرازکاری ظاهری و تصنعی تبعیت نماید که آنهم نه شان دوست است و نه رضایت قلب.

براستی هر قدر میخواهم خودم را حاضرکنم که شادباشهایی رابه سرورانم پیشکش کنم آن شادی ها را نمی یابم. چیزی که نیست چگونه میتوان تقدیمش کرد.

به همین پیام نوروزی اعلیحضرت (خطاب به هموندان شورای ملی!!) رجوع کنید، یاس و حرمان، ناامیدی و شکست، انسان رابه دریای غم فرو میبرد در این حالت شادی کجا قرار دارد که بتوان ارمغان دیگران کرد.

درکشورما که مهد اندوه و غم است در آن دل و جان شاد بسیارکم است

ایران چویکی خانه و جای همه است وین خانه غم سراسر همه است

این است که عیش و نوش این خانه تمام از بهریکی نیست برای همه است

این جشنهای نوروزی که حق و افتخار ایرانی است باید با عظمتی هر چه وسیعتر و جلالی که در خورتاریخ و قدمت ایران است پس از نجات ایران از اهریمنان غاصب و استقرار رژیم پادشاهی برپا شود.

اکنون برای حفظ تداوم سنت باستانی نوروز، مراسم تاویل سال نو را در مقابل پرچم ایران پادشاهی و تمثال شاهان پهلوی آرام و همراه با غم اسارت ایران و سلطنت برگذارکنیم.

^۱ - نامه سراسر پر از میهن پرستی این ایرانیار را در زیر بخوانید= ح-ک

بیاد بیاوریم که پدران ما، پاسداران استقلال و میراث‌های کهن فرهنگی و وطن ما، هنگامیکه ایران از پادشاهی تهی بود جشن و سرور بر خود راحرام ولایق نمودند و حکیم فردوسی این سنت اخلاقی و مردانگی ما ایرانیان را چنین سروده است.

یکی نامه سوی برادر به درد نبشت و سخنها همه یاد کرد
که این خانه از پادشاهی تهی است نه هنگام پیروزی و فرهی است
با احترام و آرزوی پیروزی

از میان آنهمه نوشته و شادباش، این یکی را که از دل برآمده و لاجرم بردل می نشیند نمیتوان از لیست پنهان کرد.

پیروزی شما هم‌رمز و هم‌مین و ایرانیار گرامی را از دل می خواهم.

بخوانید و تا آخر بخوانید.

سپاس و درود

ح-ک

From: F M [mailto: .com]

Sent: 19 March, 2015 3:04 PM

To: JavidiranPeymanMeli

Subject:

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر امیرفیض

هم میهن ارجمند جناب آقای ح ک

با ادب و بهترین آرزوها.

کوتاه زمانی دیگر همگی در هر کجای گیتی که هستیم در پیروی از آئین و آداب ایرانیان به خوشامد گویی سال نوین که به همراه خجسته نوروز از راه میرسد خواهیم شتافت تا فرا رسیدن نوروز و آغاز سال نوین را خوش آمد بگوئیم. بنام یک ایرانی و هم وطن صمیمانه از درگاه آفریدگار یکتا و توانا آرزو دارم سال در راه ، سرشار از تندرستی و پیروزی و شادمانی برای شما و خانواده گرامی باشد.

با درود قلبی به روان پاک و ایران ساز بزرگ شاهنشاهان ایرانزمین اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران و یکایک جان باختگان میهن، و با به یاد داشتن فریب ملی ۱۳۵۷ که اکثریت ملت ایران نا آگاهانه و ناسپاسانه از بیگانگان و مزدوران تعلیم دیده آنان

خورد و فاجعه تلخی که نصیمان شد که حاصل آن پیروزی طرح های خاننااه اجنبی و دستیاران اجنبی و رفتن شاهنشاه از ایرانی که خود ساخته و پرداخته بود گردید تا بی توجه به هشدارهای شاهنشاهمان و دقیقاً آنگونه که اجنبی طرح ریزی کرده بود و از طریق مزدوران ایرانی نمای خود و بلندگوهای قدرتمند خویش میگفت و تحریک میکرد، با دستان ایرانی نما ها و پشتیبانی اجنبی ، نظام پرافتخار شاهنشاهی سرزمینمان را برچیده و بجایش یک سیستم عاریتی و بی هویت و بی پایه و بی اساس را که هرگز در اندیشه آن و دست اندرکاران آن کوچکترین نشانه ای از ارزش های اصیل ایرانی دیده نمیشد و نمیشود و به عبارت دیگر میهن و میهن پرستی در قاموسشان جایگاهی نداشته و ندارد را بر سرزمینمان و سرنوشتمان بنشانیم. طوریکه حتی وقتی در پیکار میهنی و جنگ خانمانسوزی که رژیم عراق با حمایت و پشتیبانی طراحان فریب ملی علیه ایران آغاز کرد و هزاران هزار از فرزندان ما را به خاک و خون کشیده و میلیون های دیگر را به معلولیت و ناتوانی جسمی و حتی روانی گرفتار نمود، اما ملاها و مکلاهای آدمخوار حاکم در نهایت وقاحت و بی شرمی و در اوج بی شرافتی و با استفاده از بلندگوهای خود، جوانان ما را که در دفاع از میهن جانفشانی میکردند بعنوان "سربازان اسلام" و انگیزه آنان را "دفاع از اسلام" یعنی دفاع از دین و آئینی که آبا و اجداد همان مهاجم عراقی به میهنمان، ساخته و به زور شمشیر بر ما تحمیل کرده بودند میخواند و یا مزورانه خلیج همیشه پارس ما را نیز با نام جعلی "خلیج اسلامی" مینامید زیرا همانگونه که اشارت شد هویت ایرانی در قاموس قداره بندان و آدمخواران و غارتگران و بی شرفانی که با فریب ملی بر سرنوشت ما حاکم شده بودند هیچ جایگاهی نداشته و ندارد. اینان در پی تثبیت سیستم بیابانگردان و راهزنان هزار و پانصد سال قبل بودند و هنوز هم هستند که همان روزگاران نیز دمار از ملت و مملکتمان درآوردند و کتابخانه ها و افتخاراتمان را به آتش کشیدند و سوزانیدند و حتی نام و نشان ایرانی را نیز ممنوع کرده بودند.

لاجرم، اگر نپذیریم که در آغاز فاجعه ۱۳۵۷ هریک به سهم خویش و هر یک در جایگاه اجتماعی که داشتیم و به فراخور تعهدات میهنی خود در انجام وظایف سستی و نابخردی نموده ایم و اگر نپذیریم که حتی در طول سی و اندی سال سیاه رفته بر میهن و ملت ایران چه در درون مرزها و چه در بیرون، هریک به شکلی با سکوت خویش و یا با پیروی از واژه های فریبنده و بی پایه و بی مایه مانند "دموکراسی" و "فدرالیته" و "حقوق بشر" و "آزادی زنان" و صدها واژه و ایسم رنگارنگ دیگر که حتی در سرزمین مبدعان و مبلغان آن نیز در زمان لازم زیر چکمه سربازان و پلیس خودشان له و نابود میشود، و به هویت اصیل خودمان بازنگردیم بی تردید همچنان در آرزوی آنچه از دست دادیم خواهیم سوخت و یکان، یکان در یاس و نومیدی چه در درون و چه در بیرون میهنمان بر خاک خواهیم خفت.

اما افسوس که ما سی و اندی سال است چه در درون و چه در برون مرزهای میهنمان و با هر انگیزه که داریم همچنان اسیر تارهای عنکبوتی همین سراب های فریبنده هستیم و بجای همبستگی و اتحاد به دور ویژگی هائی که هزاران سال پیش خود ساخته و خود داشته ایم و بر آن اساس نیز هزاران سال پاینده و برقرار بوده ایم و دفاع از هویت اصیل ایرانی و همه آن افتخارات و آزادگی ها که هزاران سال است در بطن نظام پرافتخار شاهنشاهی میهنمان تولیدشده و بکار هم گرفته شده بود اما ما هنوز در لابلای تارهای عنکبوتی واژه های فریبنده غرب ویرانگر و شرق غارتگر میلونیم و دست و پا میزنیم و خود را هم برترین و بهترین مینامیم که بازهم دقیقاً پیروی نا آگاهانه ویا با تاثر باید گفت پیروی مغرضانه از ادامه همان طرح ایران ویرانگر اجنبی است و بس و نام دیگری نمیتوان بر آن نهاد.

زیرا ملتی که بعد از تحمل سی و اندی سال تحقیر و توهین و بی هویتی و آوارگی هم در درون میهن خودش و هم در بیرون آن، هنوز اندر خم یک کوچه است و بجای شناسائی و بهره گیری از داشته های هویت اصیل خود که در هزاران سال قبل و بسی پیش از شکل گیری تمدن های غرب ویرانگر، بیانگر اوج انسانیت و نوع دوستی و دموکراسی و حقوق بشر و آزادی و جایگاه بانوان و فدرالیت و غیره و غیره که مدعای امروزین تنورسین های غرب ویرانگر میباشد، بوده است که نمونه بارز آن جایگاه پوراندخت ها و آذرمیدخت ها و یا کردار شهنشاه کورش هخامنشی مورد اعتراف و قبول جهانیان میباشد، اما سردمداران نوکر اجنبی و بیگانه پرست جمهوری اسلامی اشغالگر ایرانزمین با استفاده از نابسامانی و تاثیرات مسموم تبلیغات مهلک اربابانش که تلاش دارند ایرانی را در لابلای تارهای کشنده واژه های فریبنده اسیر بدارند، تا میتواند هم نوا با اجنبی، هویت ایرانی را که به استناد هزاران هزار سند و مدرک و مستند تاریخی فقط در نظام شاهنشاهی ایران نهفته است، کم اهمیت جلوه داده ویا درحالیکه جهانیان شکوه و عظمت شاهنشاهی ایرانزمین را پذیرفته و به حقیقت آن اعتراف دارند اما قدره بندان و غارتگران حاکم، بنام ایرانی در میهنمان آن را به تمسخر گرفته ویا اساساً دروغ و افسانه میپندارند.

این است که باید فریاد زد اگر ما ملت ایران فارغ از همه تبلیغات زهرآگین و فریبنده دشمنان میهنمان چه در درون و چه در برون مرزهایمان، به هویت و اصالت ملی و تاریخی خود بازگردیم، اگر به اساس شاهنشاهی ایرانی که خود ساخته و در هزاران سال بعدی پرداخته بودیم و یکی از برترین نمودهای همبستگی ملی و نگهدارنده ملیت و مملکتمان بوده است که با فریب و طرح بیگانه آن را به رایگان باخته ایم، بازگردیم، بی تردید خواهیم دید که هزاران سال قبل از بدنی آمدن سازندگان سراب های یاد شده و به نسبت زمان و سایر ملل جهان ما ایرانیان در اوج آزادی و آزادی و آزادیخواهی میزیستیم و آزادی را از نشانه های بارز شهروندان ایرانزمین میدانستیم و شهنشاهان ما حقیقت آن را حتی در سرزمین های شکست خوردهگان در جنگ ها نیز گسترش میدادند تا نام ایران و ایرانی آنگونه که باید در تاریخ جاودان گردد که گردید.

امید آنکه در این نوروز خجسته برای یکبار هم شده بعد از سی و اندی سال تحمل خون و خفقان و اعدام و زندان و شکنجه و آوارگی و بی هویتی که رژیم جنایتکار اسلامی بر همه ما ملت ایران چه در درون و چه در برون مرزها تحمیل نموده است همه باهم و همانند هر ایرانی پاک نهاد و راستین از درگاه آفریدگار یکتا و توانا آرزو کنیم و با یکدیگر پیمان بربندیم تا در سال نوین برای بازپس گرفتن و دوباره برپا نمودن نظام افتخار آفرین شاهنشاهی ایرانزمین که به شهادت تاریخ، یگانه نگهدار و نگهبان افتخارات هزاران ساله ایران و هویت ایرانی بوده است و نیز، با عبرت گرفتن از اینهمه تلخکامی ها و سرافکنندگی ها که در نتیجه بی هویتی حاصل از تسلط و ترکتازی مشتی خون ریز و آدمخوار و دستار به سر و مکلای بی وطن بر میهنمان روا شده است و فارغ از تاثیرات زهرآگین تلاشهای نابخرادانه و مغرضانه بیگانگان و مزدورانشان، دست در دست و شانه به شانه یکدیگر چه در درون و چه در برون مرزهای میهنمان و در هر شرایطی که هستیم به انگیزه و به هدف بازپس گیری آنچه به رایگان باخته ایم یعنی نظام شاهنشاهی ایرانزمین بپا خیزیم و با بازپس گرفتن هویت اصیل تاریخی و ایرانی خود و برقراری دوباره نظام شاهنشاهی هزاران ساله ایران که یگانه نگهبان و نگهدار افتخارات و هویت ایرانی بوده است، میهنمان را آنگونه که شایسته و بایسته ایران و ایرانی هست با عبرت تلخی که از تاریکی های سی و اندی سال رفته بر میهنمان گرفته ایم و میگیریم، با توانمندی خویش میهنمان را دوباره بسازیم و

دوباره آن را به قله های افتخار که آرزوی شاهنشاه آریامهر و رضا شاه بزرگ بود برسانیم و از آن پس تا جهان باقیست سی و اندی سال سیاه رفته بر ما را سرلوح عبرت خود و نسل های بعدی برای نگرهبانی از میهن و تنها نشانه و یگانه راز بقا و افتخار میهنمان که بی تردید نظام پرافتخار شاهنشاهی ایران است و بس قرار دهیم.

نوروز بر شما و بر ملت ایران و بر همگان فرخنده باد